

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قرشی- کابل

۲۳ دسمبر ۲۰۲۰

منشأ تضاد بین "غنی+روغنی" و "ولسی جرگه"

۲

سه شنبه-۲۰ جدی ۱۳۹۹ - کابل:

۲- هر چند "غنی احمدزی" می دانست و می داند که در یک ساختار مستعمراتی، موجودیت شفاق و نفاق بین نهاد های مختلف حاکمیت یکی از اصول اداری تخطی ناپذیر به شمار می رود و دست نشاندگان به هیچ وجه حق و اجازه ندارند تا دست به زدودن نفاق زده، اداره را وحدت بخشند؛ با آنهم بر مبنای خصایص شخصیتی خودش که فردیست تمامیتخواه، انحصار طلب، زورگوی و خودرأی، به گمان این که اشغالگران و بادارانش بروی اعتماد دارند و کارهایش را زیاد کنترل نمی نمایند، با مقرر ساختن چند تن از نزدیکان و گویا افراد متعهد به خودش، انتخابات "ولسی جرگه" را در سال گذشته برگزار نمود.

آنچه را "غنی احمدزی" نمی توانست باور کند عدم وفاداری نزدیکان و افرادی را که به خود متعهد و وفادار می دانست نسبت به خودش بود. یعنی نمی خواست باور نماید که تمام تعهد و وفاداری آنها نسبت به وی فقط تا زمانی می توانست وجود داشته باشد که اشغالگران با عملکرد آنها موافقت نمایند در غیر آن اراده اشغالگران برای آنها اولویت و ارجحیت یافته، همان کاری را انجام می دادند که اشغالگران از آنها می خواست. آنها نیز به مانند یک ربات فاقد وجدان، همان کاری را انجام دادند که اشغالگران بدانها دستور انجامش را داده بودند. یعنی از درون صندوق های رأی نام افرادی را به مثابه پیروز انتخابات بیرون کشیدند که نه تنها با همدیگر در هیچ موردی توافق نداشته باشند، بلکه با "غنی احمدزی" حاضر نباشند در یک مسجد نماز هم بخوانند.

در حقیقت تضاد و برخورد میان "ولسی جرگه" و قوه اجرائیه در رأس آن "غنی احمدزی" از همین جا خود را متبازر ساخت. یعنی در حالی که اعضای منتخب، از تمام مجاری به خصوص اشغالگران فشار وارد می نمودند که پیروزی آنها از جانب قوه اجرائیه به رسمیت شناخته شود، "غنی احمدزی" در رأس قوه اجرائیه نه تنها این شناسائی و افتتاح آن را برای هفت ماه به تعویق انداخت، بلکه تمام اعضای کمیسیون به اصطلاح "مستقل انتخابات" را نیز به جرم، دستکاری و تقلبات انتخاباتی به زندان افکند، که تا کنون چند تن از آنها علی رغم فشارهای وارد بر قوه قضائیه و قوه اجرائیه در زندان به سر می برند.

"غنی احمدزی" به این هم اکتفاء ننموده، علی رغم آن که می دانست تعداد طرفداران متعهدش در درون "ولسی جرگه" از تعداد انگشتان یک دست بیشتر نیست، با کاندید نمودن فردی به نام "اصولی" و تحریک وی به امتناع از پذیرش

رایگیری جهت انتخاب هیأت اداری مجلس به خصوص ریاست آن، ماه ها از آغاز کار "ولسی جرگه" جلوگیری نمود. این که سرانجام حاضر شد زیر فشار اشغالگران به خصوص امپریالیسم امریکا، از لجاجت دست کشیده، بگذارد تا "ولسی جرگه" به کار آغاز نماید، بدان معنا نبود که بین آنها تمام مشکلات حل شده و "غنی احمدزی" دیگر کاری به کار "ولسی جرگه" ندارد و می گذارد تا آن نهاد، در کنار قوه اجرائیه به وظایف وطنفروشانه و خاینانه اش عمل نماید. این مخالفت ها با "ولسی جرگه" از جانب قوه اجرائیه، نه تنها در سطح بین دوقوه محدود نماند بلکه در آغاز قوه اجرائیه و به تعقیب آن "ولسی جرگه" نیز کوشید با افشاگری های پیهم یک دیگر شان را رسوا بسازند. یعنی در حالی که قوه اجرائیه و در رأس آن شخص "غنی احمدزی" از طرق مختلف که از حملات رسانه ئی شروع تا امتناع چندین ماهه از معرفی اعضای کابینه و بدین وسیله آن نهاد را بی ارزش و بی اعتبار معرفی داشتن، می کوشید هرچه بیشتر قوه مقننه را بی اعتبار و بی ارزش معرفی دارد؛ "ولسی جرگه" نیز تمام حرکات خاینانه قوه اجرائیه را بدون پروا افشاء نموده، روزی از سرقت پول کود ۹۱ سروصدا به راه می انداخت و روز دیگر، اختلاس ها در توزیع نان و مصارف مبارزه علیه کرونا را افشاء نموده، به مانند طرف مقابل یک دیگر را بالا می نمودند. در چنین فضائیسست که نخست "امر الله صالح" و بعد تر "روغنی"، مستقیماً وارد میدان جنگ می شوند.

ادامه دارد